

سپیده ها

هرگز نمیخواهم سپیده ها

در گرو شب بمانند

و رهروان بادیه

نفس گرم و شبزده ای دشت را

احساس نمایند

ببینید !

ستوران شیبه میکشند

و از بند بند پیکر خسته ای مسافران

عرق میریزد

کجا جام لاله ها در تاریکی دشت

چراغ میشود ؟

کجاست خط سمین سپیده ؟

که دریا را با کوه پیوند زند

کجاست آواز پرنده های مهاجر

تا اضطراب مستدام دشت را

پایان بخشد ؟

و لاله ها را به پیشواز سپیده

فرا خواند .

